ادامه از صفحه ۱۱

اقلیت‌های فرانسه به چه کسی رای می‌دهند

با وجود اینکه اولانـد در مورد این قانون مزبور از خود واکنش منفی بروز نداد و با لحنی همدردانه در مورد قتل عام ارامنه به صحبت پرداخت و از سـوی دیگر می‌تواند به این حربه متوسل شود که این لایحه را برای اولین بار حزب او، یعنی حزب سوسیالیسـت فرانسه بود که حدود پنج سال پیش به مجلس ارایه داد امـا چون در اقلیت بودند موفـق به تصویب آن نشدند تا برای کسـب رای ارمنیان امیدوار باشند. از دیگر اقلیت‌های مذهبی فرانسه، یهودیان با جمعیت حدود ۷۰۰هزار نفر هستند. در مورد جلب آرای این اقلیت به نظر می‌رسـد سـارکوزی که دارای مادری یهودی اسـت و از خانواده مادری او حدود ۵۷ نفر در طول جنگ‌ها و کشتارهای دوران حاکمیت نازیسم بر اروپا کشته شده‌اند دست بالا را داشته باشد. آخرین اقلیت تاثیرگذار در انتخابات فرانسـه را اقلیت نژادی فرانسویان آفریقایی‌تبار تشکیل می‌دهد. این طبقه از جامعه فرانسه دارای دغدغه‌های خاص خود هستند. آنها هرگونه محدودیت‌سازی در قوانین مهاجرتی را از یک سو ضربه‌ای به فرانسوی دانستن خود و از سوی دیگر لطمه‌ای به آرزوی گردهم آوردن خانواده‌شان از کشور مبدأ به فرانسه می‌دانند. طبیعتا انتظار می‌رود این میهمانان دیروز که امروز به برکت قوانین داخلی فرانسه خود صاحبخانه شدند به نامزدی تمایل نشان دهند که سعی در تشدید محدودیت‌های مربوط به مهاجرت نکند. سـارکوزی از یک سو با تلاش جهت خود را قهرمانی ملی همچون «ژاندارک» خواندن و از سـوی دیگر اراده او برای جذب طرفداران خانم لوپن که میهمان‌نوازی را از پدر خود به ارث برده است، این اقلیت نژادی را از خود دور خواهد کرد. اما اولاند که در مصاحبه‌هایش هرگاه در مورد مهاجرت سوال می‌شود به گفتن این مساله که باید با مهاجران «غیر قانونی» برخورد شـود بسنده می‌کند از سـوی دیگر مدعی می‌شود که مهاجرت قانونی به فرانسه برای این کشور درآمد اقتصادی دارد و در برنامه‌های خود صحبت از «تثبیت یک ظرفیت سالانه برای مهاجران اقتصادی با مشاوره با کارآفرینان» می‌کند به نظر برای این اقلیت نژادی بیشتر دلچسب به نظر می‌آید تا سارکوزی که خودش پسـر یک مرد مهاجر لهستانی و همسرش خانـم برونی که یک ایتالیایی اسـت و در عین حال صحبت از کاهش ظرفیت مهاجرپذیری از ۱۸۰هزار به صدهزار در سـال می‌کند و همچنین برخورداری از مزایای اجتماعی را فقط برای مهاجرانی می‌داند که بیش از ۱۰ سال در فرانسه زندگی کرده‌اند.

ادامه از صفحه ۹

خانه‌ای که هیچ‌کس از آن ناراضی نیست

از جمله ویژگی‌های می ۱۹۶۸ پاریس پیوندی است که میان حرکت انقلابی دانشجویان با حرکات اعتصابی کارگران برقرار شـد. در یک سـو هرج و مرج‌طلبی، انفجار احساسـات و خواسـت انحلال جامعه مدنی بود و در سوی دیگر مقاومتی محدود علیه قوانین سخت کار و درخواست افزایش حداقل دستمزدها. اما به تدریج این خواست‌ها شکل دیگری به خود گرفت و در برخی کارخانه‌های اشغال‌شده همان خواست کلاسیک کمونیستی یعنی دولتی کردن صنایع و کارخانه‌ها به گوش رسـید. اگرچه حرکت دانشجویان و کارگران در بستر یک اعتراض با یکدیگر پیوند خورد اما این اعتراض رهبری پیدا نکرد و بدون جهت و مسـیر مشـخص باقی ماند عامل اصلی چنین وضعیتی همان نهادهای بزرگ محافظه‌کار و به ویژه حزب کمونیست فرانسه بود.

این حزب مانند اکثر نهادهای مدنی از همان آغاز به حرکت دانشجویان اطمینانی نداشت. کمونیست‌ها نگران نفوذ و موقعیت خود بودند و همه تلاش خود را برای جلوگیری از پیوند یافتن دانشجویان شبه‌انقلابی و کارگران به کار گرفتند. شارل دوگل در پایان ماه می آن سال نسبت به امکان قدرت گرفتن کمونیست‌ها هشـدار داد. امـا دوگل اغراق کرده بود زیرا درسـت عکس این اتفاق افتاد و حزب کمونیست تضمین داد کـه خواهان حفظ وضع موجود اسـت. به این‌ترتیب شـورش ماه می پاریس خیزشـی علیه ساختارهای موجود، شـورش خیال علیه واقعیت و اعتراض افراد علیـه نهادها بود. اما آن میل و شـیفتگی انقلابی به دلیل سازمان‌ناپذیری دانشجویان فروکش کرد. آنان نـه تنها علیه دولت ژنرال مبـارزه می‌کردند بلکه هر دولت دیگری را هـم برنمی‌تافتند. و به این‌ترتیب با توجه به خشونت‌طلبی دانشجویان و ادبیات سخیف و اهانت‌آمیـزی که آنان علیه حاکمـان به‌کار بردند، چیزی نگذشـت که جنبش مشـروعیت خـود را از دسـت داد. اگرچه جنبش می ۱۹۶۸ پاریس موجب تغییراتی در امور آموزش دانشگاه‌ها و زندگی کارگری شـد اما اصلاحات بنیادین امری است که حتی امروز هم فرانسه در حسـرت آن به‌سر می‌برد. شورش می ۱۹۶۸ هشداری برای نخبگان سیاسی فرانسه نیز بود. اما مشـکلات بخش آموزش در دانشـگاه‌ها و اقتصاد همچنان باقی است. فرانسه با مشکلاتی کهنه و جدی روبه‌رو اسـت و جناح‌های مختلف سیاسی این کشور طی همه این سال‌ها از حل آن عاجز بوده‌اند. نه دولت سوسیالیست میتران و نه دولت راستگرا و محافظه‌کار شیراک تلاشی برای کسب شناخت بیشتر از لایه‌های پنهان جامعه ناهمگون کشورشان از خود نشان ندادند و به این‌ترتیب مشـکلات این کشـور کلیـدی اروپا همچنان بیشتر و بیشتر شد.

چهار هفته‌ای که همه چیز را تغییر داد

نسرین رضایی

کت و شـلوار رسـمی به تن کرده و به یک سیاستمدار تمام‌عیار می‌ماند. می‌گوید: من دیگر علیه دولت نمی‌جنگم، حالا خودم جزیی از دولت هستم. خوب به یاد دارد خاطرات آن روزهـا را که دانشـجویان به خیابان‌هـا ریختند و فریاد برآوردند ما همه یهودی آلمانی هستیم. همه چیز را از همان آغاز خوب به یاد می‌آورد؛ اینکه در فرانسه به دانشگاه رفت و رهبر گروه دانشجویان آنارشیست شد و حتی اینکه در می ۱۹۶۸ هنگامی که در برابر دوربین تلویزیون فرانسه پلیس این کشـور را تقبیح کرد، به یک اسـطوره بدل شد. کوهن بندیت خاطره ژرژ مارشـه، رهبر کمونیسـت‌های فرانسه، هنوز هم در ذهنش مرور می‌شـود؛ کسی که از دانشجویان دل‌خوشی نداشت و او را با عنوان یهودی آلمانی سرزنش کرد.

از زمان جنگ جهانی دوم ۲۳ سال گذشته بود. آن زمان او رهبر جوان انقلاب ۱۹۶۸ دانشجویان فرانسه علیه ژنرال دوگل بـود. جهان با حالتی مـات و مبهوت پی می‌برد که فرانسه دیوانه شده است. یک تظاهرات سرتاسری هرچیزی در کشـور را به اسـتثنای بـرق و مطبوعـات دربر گرفت و کار عادی کشـور را متوقف کرد. هیچ کشـور پیشرفته و توسعه‌یافته‌ای هرگز چنین وضعیتی را تجربه نکرده است. با این وجود این را نمی‌توان یک انقلاب دانست. خشونت زیادی دیده نشد و به تشـکیلات دولتی حمله‌ای صورت نگرفت. حدود چند هزار خودرو به آتش کشیده شدند، اما سه سال بعد پلیس که در نظر داشـت حمایتـی را که مردم به طور یکپارچه از این نهضت به عمل آورده‌اند ناچیز نشـان دهد اعتراف کرد که بیشتر این آتش‌سـوزی‌ها را خودش انجام داده است نه تظاهرات‌کنندگان. آنگاه پس از گذشت یک ماه همه چیز به حالت عادی بازگشت. جریان از چه قرار بود؟

اعتراضات با اعتراض به جنگ در ویتنام آغاز شد ولی در ادامه به سوی اعتراض علیه استبداد، نابرابری نژادی و جنس، فشـارهای اقتصادی بر کارگران و سیستم آموزشی حرکت کـرد و اعتراض به نابرابری‌های اجتماعی و نبود آزادی‌های مدنی به مسیر اصلی این جنبش بدل شد.

می‌گوینـد جنبش دانشـجویی مـی۱۹۶۸ جنبش و اعتراضی فرهنگی، اجتماعی بـود که کمتر از آن به عنوان جنبش و تحرکی تنها سیاسـی نام برده می‌شود. برخی آن را گسترش دامنه آزادی و شکوفایی و بالندگی انقلاب کبیر فرانسه تعبیر کردند و در برابر برخی دیگر جنبش را غوغای عوام، روان‌پریشی توده‌ای یا کارناوال نام نهادند.

شـارل دوگل مدت ۱۰ سـال بر فرانسه حکومت کرد. بزرگ‌تریـن حزب فرانسـه یعنـی حزب کمونیسـت بر اپوزیسیون غلبه داشت. حزب سوسیالیست زمینگیر شده، از حرکـت باز مانده و ناتوان شـده بود. اما اپوزیسـیون هم توان پیروزی را نداشـت. هیچ چیز تغییر نمی‌کرد و به نظر می‌رسـید که چیزی در این کشـور آرام، جایی که پول بر آن حکومت می‌کند هرگز دچار دگرگونی نخواهد شـد. در آغاز ماه می رویدادهایی در دانشـگاه نانتر مشاهده می‌شد. دانشـجویان سـوربن که هم‌قطاران خود از نانتر را حمایت می‌کردند دانشـگاه قدیمی خـود را به اشـغال درآوردند. در ۱۵ مـی بدون هرگونه توصیـه از بالا، بعضی از کارگران به‌طور خودجوش تصمیم به اعتصاب و اشـغال محیط‌های کاری خود زدند. کمیته اعتصاب متشکل از کارگران جوان ـ که عضو اتحادیه نبودند- سلسـله‌مراتب‌های موجود را به چالش گرفته و خواهان احترام و توجه به خود و «حق آزادی بیان» شـدند، لیکن به هیچ‌وجه از حقوق و مزایای بیشتر و انجام مذاکرات با کارفرمایان سخنی نگفتند. اتحادیه‌های کارگری سردرگم مانده بودند. یکی از آنها که بسیار نزدیک به حزب کمونیست فرانسـه بود با شدت تمام به مبارزه با این جنبش برخاست. در این میان بعضی از وزیران استعفا دادند، اما هیچ‌گونه حمله‌ای به نهادها دیده نمی‌شد. هیچ‌گاه نتوانسـته‌اند بر جنبش اعتراضی فرانسـه اسمی مشخص بگذارند از طرفی می‌توان آن را نوعی انقلاب نامید و از سویی یک شورش، یک انقلاب ناموفق یا یک اصلاح یا چیز دیگر، اما هر نامی بر آن بگذاریم مسلما عامل و ایجاد این جنبش فاصله زیاد تضادهای بین خواسـت‌های مدنی و سـاختار سیاسـی آن دوران در فرانسه بود و خصلت غیرحزبی بودن این جنبش به این حرکت خصوصیتی بدون الگو داد و سبب شد تا نتایج مثبتی همچون تغییر قانون اساسی در فرانسه و تحولات ساختاری در اروپا داشته باشد.

روزشمار می ۱۹۶۸

بیست و سوم آوریل- درگیری خیابانی، در پی اعلامیه گروه‌های چپ مبنی بر عدم شـرکت در امتحانات معارف دینی. یک دانشجوی راسـتگرا مجروح شد. پلیس، کوهن بندیت را مسوول آن دانست و او را برای بازجویی فراخواند.

بیست و پنجم آوریل- پلیس برای اولین بار پس از ۳۰ سال برای جدایی دانشجویان چپ و راست مداخله کرد.

بیست و هشتم آوریل - راهپیمایی CVN در اعتراض به برپایی نمایشـگاهی در حمایت از ویتنام جنوبی؛ رییس دانشـگاه نانتری، گرافیـن، دانشـکده‌ها را دو روز زودتر از شـروع عید پاک تعطیل می‌کند و یک آمفی‌تئاتر را به نام چه‌گوارا نام‌گذاری می‌کند که با عدم اسـتقبال دانشجویان مواجه می‌شود: «ما به هدایای کوچک احتیاجی نداریم، ما هر ساختمانی را که نیاز داشته باشیم، به دست می‌آوریم.»

دوم می- ژرژ پیمپیدو نخسـت‌وزیر فرانسـه، پاریس را به مقصد تهران برای سـفری ۱۰روزه ترک می‌کند. حمله دانشجویان شبه‌نظامی راسـتگرا، موسوم به «اکسیدانت»، به مرکز اصلی MAU. اشـغال آمفی‌تئاتر به دسـت ۳۰۰ نفر از «خشمگین‌ها» (گروه رادیکال آنارشیست به رهبری دانیـل کوهن بندیت) و نمایش فیلمی از زندگی چه گوارا. کوهن بندیت و پنج نفر از دوستانش برای حضور در کمیته انضباطی دانشگاه پاریس در روز ششم می احضار می‌شوند. رییس گرافین بار دیگر دانشگاه را به مدتی نامعلوم تعطیل می‌کند.

سـوم می- ۵۰۰ دانشـجوی چپی در حیاط دانشـگاه سـوربن تجمع می‌کنند. تصمیم مشترک رییس دانشگاه سـوربن، ژان روشه و وزیر آموزش عالی، آلن پرفیت، مبنی بر اجازه ورود پلیس به دانشگاه. حدود ۵، ۴ بعدازظهر، پلیس تجمع‌کنندگان را محاصره می‌کند. رهبران تجمع تصمیم می‌گیرند به تجمع خاتمه بدهند. پلیس آنها را در دسته‌های ۲۵ تایی به سـمت کامیون‌های قفـس‌دار هدایت می‌کند. صدها نفر مجروح و ۵۹۶ نفر بازداشت شدند. در پایان هفته چهار نفر به دو ماه حبس محکوم شدند.

ششم می- برای اولین بار پس از خاتمه جنگ الجزایر، چند نفر از استادان نیز با دانشجویان به راهپیمایی پرداختند. دانش‌آموزان نیز به رهبری CAL در آن شرکت داشتند.

رهبران دانشجویان برای مصالحه و پایان درگیری‌ها سه شـرط را اعلام کردند. بیرون رفتـن پلیس از کرتیه لاتین (محله اصلی خوابگاه دانشـجویان)، آزادی سریع و بی‌قید و شرط دانشجویان دستگیرشده و بازگشایی دانشگاه.

هشتم می- «وقتی رادیوی پاریس اعلام کرد چهارپنجم مـردم موافق و همراه با دانشـجویان هسـتند، بزرگ‌ترین و شکوهمندترین حمایت از دانشـجویان بروز کرد. در این روز ۶۰ هزار دانشجو در فرانسه مشغول تظاهرات بودند، اما دولت و پارلمان آن را به افراد خارج دانشـگاه و توطئه‌گران منتسب می‌کردند و تنها نتیجه اقدامات چپ‌های ماجراجو می‌دانستند.

یازدهم می- نخسـت‌وزیر پمپیدو، شـب از سفر ایران و افغانستان به کشـور بازمی‌گردد. سه ساعت پس از ورودش، سه دقیقه با ملت صحبت کرد و اعلام کرد سوربن از دوشنبه صبح بازخواهد شـد و دادگاه دانشجویان را آزاد خواهد کرد. در همین روز CGT و CFDT همراه با FEN (فدراسیون اصلی اسـتادان در فرانسه)، به عنوان قوی‌ترین اتحادیه‌های کارگری فرانسـه، طی یک اقدام مشترک اعضای خود را به اعتصاب و تظاهرات در روز دوشنبه فراخواندند. دوشنبه ۱۳ می دهمین سالگرد کودتایی بود که دوگل را بر سر کار آورده بود.

سیزدهم می- تظاهرات انبوهی با شرکت بیش از ۸۰۰ هزار نفر برپا شد و اتحاد بین دانشجویان و کارگران شکل گرفت.

پمپیدو به قولش وفا کرده بود. دانشـجویان زندانی آزاد شدند، پلیس از کرتیه لاتین بیرون رفت و درهای سوربن باز شد. دانشجویان به داخل دانشگاه رفتند و کنترل امور را به دست گرفتند. این کنترل تا ۱۶ ژوئن ادامه یافت.

چهاردهم می- دوگل طبق برنامه‌ریزی‌ای که از یک‌سال پیش انجام شده بود کشور را به قصد بازدید از رومانی ترک می‌کند.

کارگران یک کارخانه کوچک هواپیماسـازی در حومه نانت که دسـت به اعتصاب زده بودند، کارخانه را تسخیر و مدیـر را در دفتر کارش محبوس می‌کنند. کارگران رنو در روئن دسـت بـه اعتصاب می‌زنند و روز بعـد کارخانه را به تصرف خود درمی‌آورند. به تدریج بر سردر تمام کارخانه‌های رنو پرچم‌های سرخ و سـیاه آویخته شد. ظرف ۴۸ ساعت موج اعتصاب و تسخیر با سرعت سرسام‌آوری تمام صنایع فرانسه را درنوردید.

بیسـت و دوم می-دانیـل کوهـن بندیت در فرانسـه عنصر نامطلوب اعلام و از کشـور اخراج می‌شود. جمعیتی از دانشجویان به طرف مجلس سنا تظاهرات کردند و شعار می‌دادند «ما همه خارجی هسـتیم» (در اعتراض به اخراج کوهـن بندیت آلمانی) که به ضد و خورد شـدید با پلیس منجر شد. پلیس ضدشورش به کرتیه لاتین هجوم می‌آورد و موقعیت‌های استراتژیک مقابل سوربن را اشغال می‌کند.

بیسـت و پنجم مـی- مذاکرات چندجانبـه پمپیدو با رهبـران اتحادیه‌های کارگری، مرگ یک افسـر ۵۲سـاله در لیون بر اثر برخورد یک کامیون از کنترل خارج‌شـده با سنگرهای پلیس، ۸۰۰ نفر بازداشـت و ۱۵۰۰ نفر مجروح شدند. حیاط سوربن به بیمارستان تبدیل شده بود.

بیسـت و هفتم مـی- موافقت‌نامه گرنل درباره سـطح دستمزدها، هفته‌های کاری، سن بازنشستگی و... به امضای طرفین مذاکره رسـید. این بزرگ‌ترین موفقیت و منفعت به‌دسـت‌آمده پس از ۲۰ سـال برای کارگران بود. کارگران در یک عمـل غیرمنتظره موافقت‌نامه را پـاره کردند و به رهبران‌شان تاختند و آنها را به تبانی با دولت و کارفرمایان متهم‌می‌کردند.

بیسـت و هشـتم می- فرانس میتران، رهبر فدراسیون سوسیالیست‌ها، صبح با مطبوعات مصاحبه و بعدازظهر در جلسه حزب کمونیست شرکت کرد. او در این مصاحبه مرگ رژیـم دوگل و کاندیداتوری خود را برای ریاسـت‌جمهوری اعلام کرد. والداک روشـه، رهبر حزب کمونیسـم فرانسه، بعدازظهر مصاحبه میتران در جواب سـخنان او با اظهارات تنـدی گفت: «هیچ نظامـی نمی‌تواند بـدون همکاری با کمونیسـت‌ها موجبات پیشـرفت اجتماعـی و اصلاحات سیاسـی را فراهم کند.» سـپس در ادامـه آمادگی حزب کمونیست را برای پذیرش پست‌های مختلف اعلام کرد.

بیسـت و نهم می- «هیچ روزی در تاریخ فرانسـه مثل ۲۹ می دلهره‌آور، متشـنج و هیجان‌انگیز نبود. اغلب افراد اعتقاد داشـتند رژیم دوگل سقوط کرده است.» کمی پس از ۱۱ صبـح، دوگل کاخ الیـزه را به مقصد نامعلومی ترک می‌کند. ابتدا اعلام می‌شـود برای استراحت به زادگاهش، کلمبی، رفته است. اما پس از چند ساعت مشخص می‌شود که به آنجا نرفته است. ژنرال دوگل گم شده بود. در نهایت هلی‌کوپترش در بادن-بادن، مرکز فرماندهی ۷۰ هزار نیروی فرانسوی مستقر در آلمان فرود می‌آید. ساعت ۶:۳۰ عصر به کلمبی می‌رود. چپ ارتدوکس تمام نیروهایش را به میدان فرامی‌خوانـد. حدود نیم‌میلیون کارگر از قلعه باسـتیل به پاریس سرازیر می‌شوند. مندز و میتران برنامه‌های خود را تا ۶:۳۰ عصر برای کسب قدرت هماهنگ می‌کنند.

سی‌ام می-ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر، ژنرال خبر برکناری نخست‌وزیر را به او ابلاغ می‌کند و خواستار انتخابات جدید می‌شود. «نیم‌ساعت بعد، اتومبیل‌های سیتروئن سیاه‌رنگ، ۲۷ وزیر کابینه را برای تشـکیل آخرین جلسـه کابینه به الیزه می‌آورند. تمام طول مسیر و جلو کاخ الیزه پوشیده از تراکت‌هایی بود که مردم را برای شرکت در تظاهرات آن روز بعدازظهر در حمایت از دوگل دعوت می‌کرد.»

ساعت ۴:۳۰ بعدازظهر دوگل با ملت سخن گفت. ژنرال پیر چنان قاطعانه سخن گفت که طرفدارانش برای آمدن به خیابان دل و جرات پیدا کردند. ناگهان ورق برگشت و جایگاه دوگل که چند روز پیش به نظر می‌رسد بسیار متزلزل شده در کاخ الیزه مستحکم شد. سلاح مخفی دوگل همان نفوذ کلام او بود. او از خطر جسـته بود. شعار «زنده باد فرانسه» همه جا شنیده می‌شد و پرچم سه رنگ فرانسه بر پرچم‌های سرخ و سیاه برتری یافت. می ۶۸ به پایان خود رسید.

فرانسوی‌ها یک ماه تمام را با بحران‌ها سپری کردند اما اتحادیه‌های کارگری بالاخره توسط کارفرمایان به رسمیت شناخته شده و توانستند در تعیین شرایط کار نقشی بر عهده گیرند.

توصیه

پول‌های قذافی در جیب سارکوزی

■ البغدادی المحمودی، نخست‌وزیر پیشین حکومت سرنگون‌شده لیبی، خبر اعطای پول از سوی سرهنگ معمر قذافی را برای تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری نیکلا سارکوزی در سال ۲۰۰۷ تایید کرد. این خبر را مصطفی عبدالجلیل، رییس شورای‌ملی انتقالی لیبی پس از آن اعلام کرد که وب‌سـایت خبری مدیاپارت هفته‌گذشـته از تامین هزینه‌های تبلیغات پیشـین سارکوزی در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته خبر داده بود. رییس‌جمهوری فرانسه در واکنش اعلام کرده بود که از مسوولان این وب‌سایت شکایت خواهد کرد. او همچنین ضمن تکذیب این خبر، آن را شرم‌آور خوانده اسـت. سـارکوزی در یک گفت‌وگو گفت: «شرم‌آور اسـت؛ وقتی من فکر می‌کنم روزنامه‌نگارانی هستند که جسـارت آن را دارند تا به فرزند قذافی و دستگاه امنیتی وی اعتبار دهند. ۵۰میلیون، چرا یکصدمیلیون نـه؛ برای تبلیغاتی که ۲۰میلیون هزینه دارد.» منبع این ادعا سیف‌الاسلام، فرزند قذافی است. او که اکنون در بازداشـت و در انتظار محاکمه به‌سر می‌برد مارس گذشته در مصاحبه با خبرنگار یورونیوز گفته بود: «اول از همه سارکوزی باید پولی را که از لیبی برای تامین بودجه مبارزات انتخاباتی خود گرفته است پس بدهد. این ما بودیم که هزینه مبارزات انتخاباتی او را پرداخت کرده‌ایم. اطلاعات و اسناد آن موجود است و آمادگی داریم جزییات آن را افشا کنیم.» سیف‌الاسلام در این مصاحبـه تاکید کرده بود: «این پول به این منظور به نیکلا سارکوزی داده شده بود که در مواقع ضروری به کمک مردم لیبی بیاید اما او ما را نسبت به خود ناامید کرد. تمام جزییات و اسناد انتقال این پول ثبت شده و به‌زودی این اسناد منتشر خواهند شد.» با پیروزی مخالفان رژیم قذافی، سیف‌الاسـلام دسـتگیر شد و اکنون به اتهام کشتار مخالفان و اعمال غیرانسانی در انتظار محاکمه در دادگاه است.

اما جنجـال حمایـت احتمالی معمـر قذافی از کارزار تبلیغاتی نیکلا سارکوزی بر تبلیغات کنونی او سایه انداخته است. رییس‌جمهوری فرانسه در برنامه هفته گذشته شبکه یک تلویزیون فرانسه با سوالی از طرف مجری برنامه روبه‌رو شد که در آن به افشاگری وب‌سـایت خبری مدیا پارت پیرامون دریافت کمک مالی از قذافی اشاره می‌شد. این وب‌سایت را خبرنگاران مستقل اداره می‌کنند. سارکوزی با عصبانیت این اتهام را تکذیب کرد و با ابراز تعجب از طرح چنین سـوالی رهبر سابق لیبی و پسر او را غیرقابل اعتماد عنوان کرد. او افزود سـخنان سیف‌الاسـلام را در مورد چک‌های دریافتی بدون معنی می‌داند.

جدول ۱۴۹۶

افقی:
۱- تابلویـی از پـل سـزان- از عبادات ۲- خانـه سـاحلی- اسـلوب‌ها- بهره وام ۳- عیب و ننگ- می‌برند تا خبردار شـوند- پول خرد اسـپانیا- کوبنده خانگی ۴- نوعی مسـابقه دو استقامت- خاندان حضرت‌رسول(ص) ۵- کیمیاگر- آشـکار ۶- نام پیشـین کشـور مجارسـتان- القاب اروپایی- هواپیمای عجول ۷- عایق شده- سکسکه- ظاهر عمارت ۸- کشیدنی بر چشم- اجتناب‌کننده- امـر بـه آسـودن ۹- محلـی در خانه خـدا- فرود آمدن- درخشـندگی ۱۰- تخم‌مـرغ فرنگی- پروانه کسـب- جمع مصیبت ۱۱- محافظین ویژه- شـهر عالی‌قاپـو ۱۲- از انـواع ریـواس- فاش شـدن خبر ۱۳- شـکوه- پارچه پشم شتر- چاق خارجی- دروازه ۱۴- سـوغات گجـرات- ظرفیـت- هویدا، آشـکار ۱۵- جنس قوی‌تر- موضوع را نادیده فرض کن

عمودی:
۱- گونـه- کنایه از مردن ۲- هـوس زن باردار- مکر و حیله- انتظار و چشمداشـت ۳- ریاضیدان سوییسی با اکتشـافاتی در آنالیز و مکانیک- بیماری پوستی- جواهر ۴- به‌دنیا آوردن- ناپسـند شـرعی- تبهـکار ۵- نوعی باکتـری عامل سـیاه‌زخم- خم کـردن- کمربند طبی ۶- قضاوت- دو نفر که در یک روز به دنیا آمده باشـند- ماده‌ای مخدر ۷- آخرین نـازی- ماترک- گردو- امیدوار کردن ۸- میهمانی فرنگی- میهمانخانه- حاشا نمودن ۹- پهلوانان- اسـتانی در هند- عدد دو رقمی- پول ژاپن ۱۰- طایفه چادرنشین- چیز ارزشمندی که به دیگری بخشیده شود- در چهارشنبه‌سوری طرفدار بسیار دارد ۱۱- تکبر، غرور- موسـس سلسـله اشکانی- مادران ۱۲- پروانه ماشـین و هواپیما- چشم‌ها- درخت زبان گنجشک ۱۳- چراننده گله- فراموشی- سگ انگلیسی ۱۴- دانه‌های نباتات- از ماه‌های قمری- خشنود کردن ۱۵- نویسـنده آمریکایی و خالق رمان «خوشه‌های خشم»- دریا

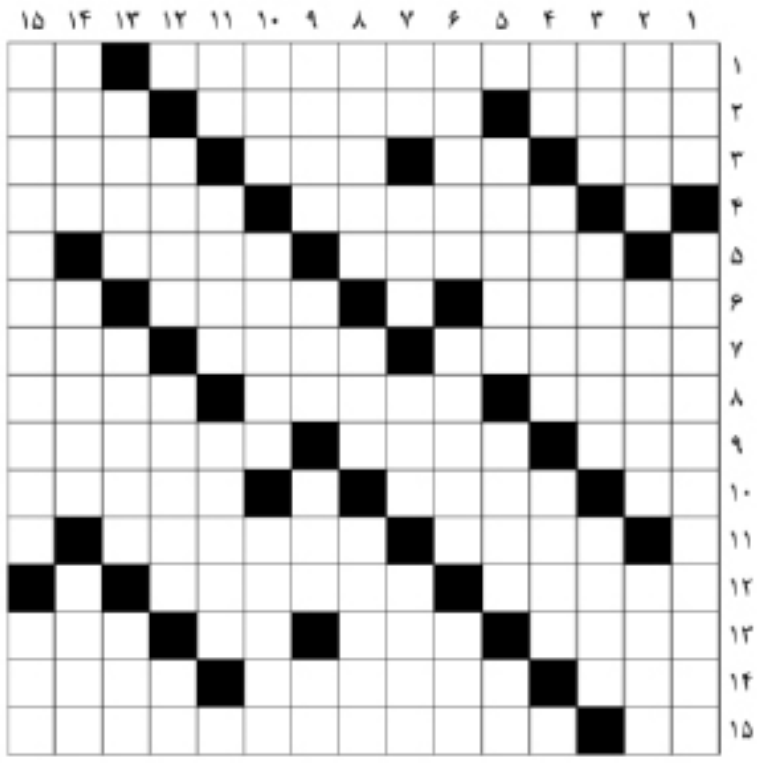

حل جدول ۱۴۹۵

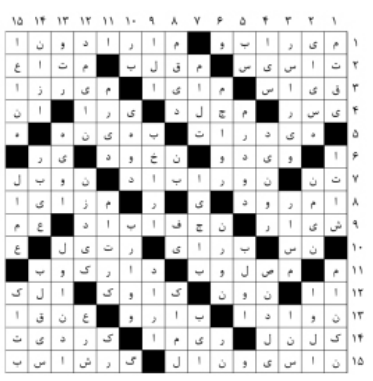

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۴۹۹

۸			۱	۲	۶	۳		
	۳	۹		۷			۱	۸
۱		۶					۵	۲
۶		۴	۷	۵	۹			
۹	۸				۳		۷	۴
۳	۵	۷	۸		۴			۶
۷						۴	۹	
		۲				۸	۶	۵
۵				۴	۱			۷

حل سودوکو ۴۹۸

۶	۲	۴	۱	۷	۳	۹	۸	۵
۱	۵	۹	۶	۲	۸	۴	۳	۷
۷	۸	۳	۵	۹	۴	۶	۱	۲
۳	۶	۵	۹	۱	۲	۷	۴	۸
۹	۴	۲	۷	۸	۵	۱	۶	۳
۸	۷	۱	۳	۴	۶	۲	۵	۹
۵	۱	۶	۲	۳	۷	۸	۹	۴
۲	۹	۸	۴	۵	۱	۳	۷	۶
۴	۳	۷	۸	۶	۹	۵	۲	۱

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۱۴۸

		۳	۲		۸			
۴	۱			۵				
	۹	۷		۴	۱			
			۵		۳		۹	
		۲			۶	۴	۱	
				۱	۲	۸	۳	
۶		۹		۲				۸
		۵	۷					
	۲				۵	۶		

حل سودوکو سخت

۶	۸	۴	۵	۲	۷	۱	۳	۹
۱	۳	۹	۶	۴	۸	۵	۲	۷
۷	۲	۵	۹	۳	۱	۶	۴	۸
۸	۹	۳	۷	۶	۴	۲	۱	۵
۴	۶	۱	۲	۵	۹	۸	۷	۳
۵	۷	۲	۸	۱	۳	۹	۶	۴
۳	۱	۸	۴	۷	۶	۵	۹	۲
۹	۴	۶	۳	۸	۵	۷	۲	۱
۲	۵	۷	۱	۹	۲	۴	۸	۶